



تا کنون چند مدل از نمایشنامه «ملاقات بانوی سالخورده» روی صحنه رفته است. شما شاهد کدامیک از این اجراها بودید؟ و این برگشت متن از نمایشنامه به فیلمنامه که فرم دیگر آن را در سریال «زخم کاری» شاهد بودیم، نشان می‌دهد که ادبیات کلاسیک کماکان می‌تواند سینما و سریال را نجات بدهد. نظر شما در این باره چیست؟

بله، کاملا درست است. وقتی که متنی ریشه قوی داشته باشد و قرص باشد، می‌شود روی آن اثر کارهای عالی کرد. اتفاقا خود من هم سریال «بانو» را بر اساس همین نمایشنامه ساختم. یعنی نویسنده این سریال را بر اساس نمایشنامه «ملاقات بانوی سالخورده» نوشت و من آن را ساختم. در واقع این متن کهنه نمی‌شود. من در ایران کار زنده یاد حمید سمندریان را دیدم و سریال «بانو» کاری بود که خودم بر اساس آن نمایشنامه ساختم و بر اساس همین نمایشنامه فیلم هم ساخته شده‌است و به نظر من خیلی تأثیر خوبی دارد. این اثر به دلیل اینکه خیلی دراماتیک است و ساختار آن ساختار درام است کار کردن روی آن خیلی نتیجه می‌دهد.

پلان‌های شلوغی در فیلم «بی همه چیز» فیلمبرداری و ساخته شده و بازیگردانی چنین کاری سخت است. آیا در بازیگردانی کمی از شما گرفته شد؟ و از شما می‌خواهیم تا فرم سختی این کار را برای کسانی که دوست دارند بدانند تا پشت صحنه چطور بوده

توضیح دهید و اینکه این صحنه‌ها چطور گرفته شد؟ فرم دیجیتالی در آن دخیل بوده‌است یا اینکه همین تعداد آدم مدام جلوی دوربین در رفت و آمد بوده‌اند؟

در مورد بازیگردانی باید بگویم که خود محسن قرایی مستقل کار می‌کرد و دستیارانش به او کمک می‌کردند و در این رابطه از من کمکی گرفته نشد. بله، واقعا همین قدر آدم در رفت و آمد بودند و جمعیت واقعی بود. این جمعیت زیاد به روستا آورده می‌شد و این فیلم در روستای کندر در جاده چالوس کار شد و من ندیدم که کمک دیجیتالی وارد ماجرا شده باشد. این طور بود که دستیارهای کارگردان جزئیات را به بازیگران هنرور توضیح می‌دادند و کلیات را هم خود محسن قرایی طراحی می‌کرد و آن قدر همه چیز ساده و راحت پیش می‌رفت که آدم متوجه نمی‌شد. الان که شما در مورد آن پرسیدید، من دارم فکر می‌کنم که بله، واقعا همه چیز چقدر خوب بود. محسن قرایی دستیاران خیلی خوبی داشت و متوجه می‌شدند که او چه می‌خواهد و آن را به هنرورها منتقل می‌کردند و برای ما هم بیشتر خود محسن قرایی و در کنار او دستیارهایش مسأله را مطرح می‌کردند و ما در آنجا هیچ سختی را احساس نکردیم. قرایی آن قدر با خوشرویی و آرامش کار می‌کرد که من چیزی احساس نکردم.

شما نقش را طوری برای خود می‌کنید که ما احساس می‌کنیم شخص دیگری جز فرید سجادی حسینی نمی‌تواند آن را بازی کند؛ اگر بخواهیم مثال بزنیم بازی شما در فیلم «فروشنده» همین طور بود. یعنی هیچ کس نمی‌تواند تصور کند که اگر کسی

جز شما آن را بازی می‌کرد فیلم به چه شکل می‌شد. این مسأله از کجا نشأت می‌گیرد؟

معمولا هر بار که این اتفاق به صورت خوب و قابل اعتنائی افتاده حتما در تعامل با کارگردان باهوش و خوبی بوده‌است؛ چه اصغر فرهادی، چه هومن سیدی، چه محسن قرایی و یا هر شخص دیگری. واقعیت این است که معمولا تعامل و بده‌وبستان با کارگردان من را در این امر کمک کرده‌است. اگر جایی این تعامل نبوده، نتیجه به این قرصی در نمی‌آمده‌است.

شما یک دوره تقریبا طولانی از بازیگری فاصله گرفتید و خیلی کم کار کردید. می‌توان گفت که تقریبا از دهه هشتاد تا سال نود و یک و دو این طور بود. در این دهه به چه فعالیتی مشغول بودید و چرا فاصله گرفتید؟ در حال حاضر و با چندین کار در دهه نود در ده سنی خودتان می‌درخشید و گزینه خیلی خوبی هستید. آیا بازیگری برای شما کاملا اقناع‌کننده است یا قصد بازگشت به کارگردانی را هم دارید؟

در واقع هر دو حرفه به یک اندازه من را اقناع و ارضا می‌کند و انگار هیچ کدامش را نمی‌توانم به دیگری ترجیح بدهم. این دوره‌ای که می‌گویید کم کار بوده‌ام برای من عجیب است، چرا که سال هشتاد و هشت سریال «بانو» را کار کردیم و بعد از آن مجموعه «مهرآباد» را کار کردیم. در واقع شغلی که من دائم داشته‌ام و به آن مشغول بوده‌ام، شغل دستیاری و برنامه‌ریزی بوده‌است. شاید به این دلیل که این کار جلوی دوربین نبوده یا خیلی بولد نبوده باعث شده تا این فکر را کنید که من کم کار بوده‌ام. در واقع من از سال چهل و دو و از همان زمانی که در شهرستان شروع به کار کردم و متأثر کار می‌کردم بیشتر کارگردانی کردم و گاهی هم بازی می‌کردم. بعد از اینکه به تهران آمدم - یعنی سال پنجاه - در اینجا کار کردم و ورودم به گروه کارگردانی به عنوان دستیار و برنامه‌ریز بود و هر از گاهی یک کاری را کارگردانی کردم و یا هر از گاهی بازیگری کردم. بنابراین شاید به همین خاطر بوده که دیده نشده‌است.

نظر شما در رابطه با مسأله‌ای که در اکران برای فیلم «بی همه چیز» پیش آمد چیست؟

اظهار تأسف دارم از اینکه وقتی این فیلم مورد استقبال مردم است و هیچ مسأله‌ای هم ندارد چرا سینماهایش آن قدر باید کم باشد و چرا باید آن قدر به سختی به آن اجازه اکران بدهند. این مسأله واقعا ظلم است چرا که بالاخره این یک اثری است که زحمتی برای آن کشیده شده و از آن استقبال شده و مورد تأیید جمهوری اسلامی هم هست و چرا یک دفعه یک جایی که نفوذ و قدرتی دارد جلوی این کارها سنگ می‌اندازد و کارشکنی می‌کند.



محسن قرایی دستیاران خیلی خوبی داشت و متوجه می‌شدند که او چه می‌خواهد و آن را به هنرورها منتقل می‌کردند